

عکاسی



هادی

کلاس هنر

عکس مناظر را چگونه باید گرفت؟

علاوه بر مناظر طبیعت از قبیل کوه و بیابان، باغ و درختان، لب جویبار، کنار دریا و غیره، تمام عکس‌هایی که از مجموعه‌ی کوچه‌ها، خیابان‌ها و ساختمان‌ها در شهرها و قصبات و دهات گرفته شود و دیگر مواردیکه شبیه اوضاع فوق‌باشد تحت عنوان منظره جای میگیرد.

این موضوع در سایه‌ی تنوع و وسعت میدان درحقیقت یکی از رشته‌های بسیار جالب عکاسی است و توجه اکثر آماطورها در ابتدای کار بدان جلب میگردد زیرا نسبت برشته‌های دیگر این مزیت را نیز دارد که در آن وسائل و لوازم خیلی مخصوص و زیاد مورد لزوم نمیشود. بطوریکه حتی یک دوربین ساده نیز از عهده‌ی انجام بسیاری از وظایف محوله میتواند برآید. ولی البته دوربین‌های متوسط و بزرگ (از ۶×۶ تا ۱۳×۱۸) ترجیح داشته و تصاویری که بوسیله‌ی آنها تهیه میگردد دارای وضوح بیشتری است. از لحاظ قدرت اثر کتیف، چون لزوم عکسبرداری با دیافراگم‌های خیلی باز بندرت پیش میآید لذا از تمام اثر کتیف‌ها در این رشته میتوان استفاده کرد.

بعلت عدم آزادی کامل در برابر طبیعت از حیث انتخاب نقطه‌ی دید، وجود دوربینی که عدسی‌های آن قابل تعویض باشد و استفاده از اثر کتیف‌هایی که دارای فاصله‌های کانونی متفاوت هستند بسیار ارزش دارد. (زیرا گاهی امکان جلوتر رفتن نیست و بعضاً عقب‌نشینی غیرممکن است در صورتیکه چنین تغییر محل‌هایی کاملاً ضروری میباشد.)

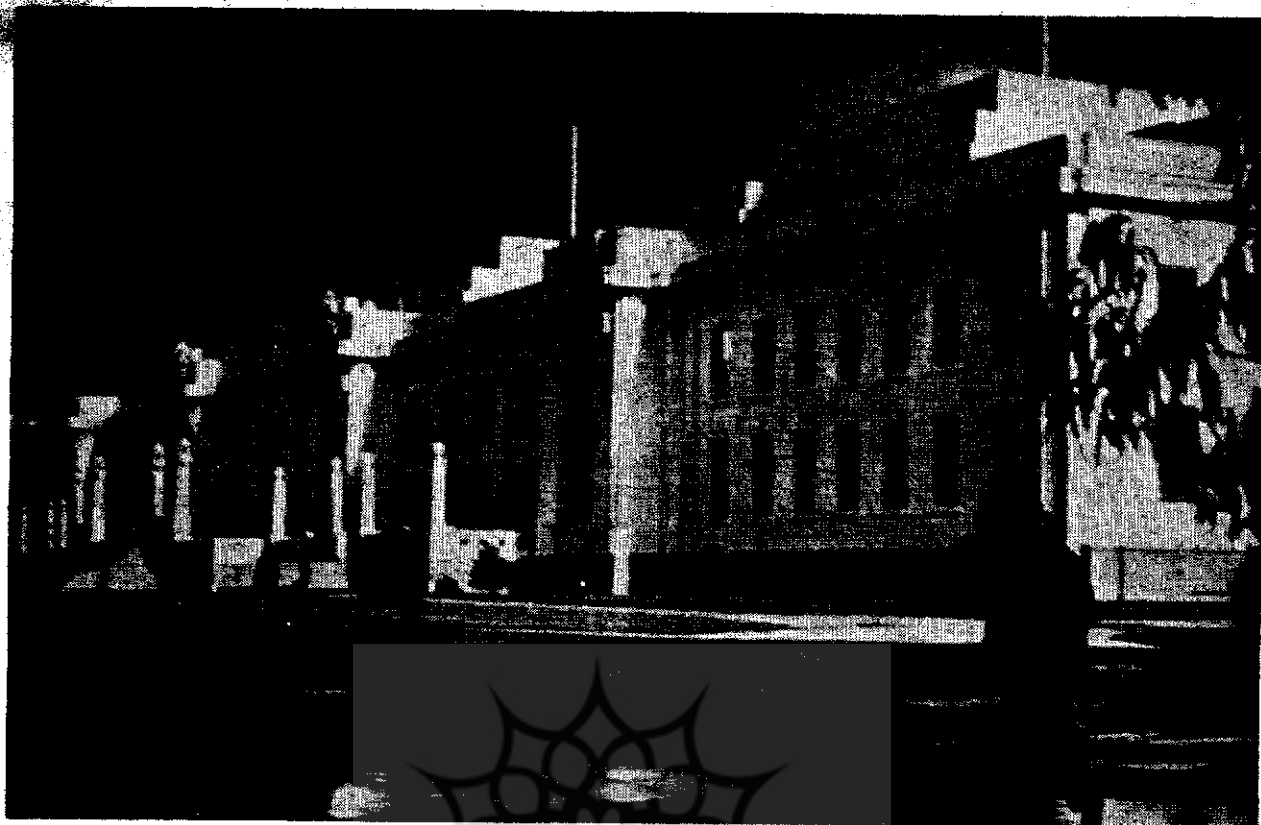
مثلاً برای دوربین ۶×۹ که فاصله‌ی کانونی نرمال آن ۱۰۵ میلی‌متر است یک اثر کتیف ۶۵ و یک اثر کتیف ۱۸۰. سه پایه - یکی از وسایل کاملاً ضروری عکاسی منظره است زیرا اغلب لزوم عکسبرداری با دیافراگم‌های خیلی بسته (برای ایجاد میدان وضوح بسیار وسیع) پیش میآید. همچنین برای بررسی و مطالعه‌ی دقیق و کامل از لحاظ کمپوزیسیون (ترکیب‌بندی) موضوع، مخصوصاً در دوربین‌هایی که شیشه‌ی تار دارند، لازم است دوربین بدون کوچکترین حرکتی در جای خود ثابت بماند.

معمولاً کسیکه عکس از منظره‌ی میگیرد چون مانند یک نفر خبرنگار عجله ندارد لذا باید مسئله‌ی شانس و تصادف را کنار گذاشته بدقت و محاسبه و اطلاعات فنی و هنری خود متکی باشد.

فیلم و فیلتر

برای عکسبرداری از مناظر کوه و بیابان، مخصوصاً در مواقعی که هوا آفتابی باشد، فیلم‌های ضعیف (A.S.A. 40-32) ترجیح دارد. اما بر مواردی که مقدار نور کمتر باشد (هوای ابری - زیر درختان - جنگل و غیره) بهتر است از فیلم‌های قوی‌تر (A.S.A. 100-200) استفاده شود.

با وجود اینکه از طرف کارخانجات فیلمسازی گفته میشود که فیلم‌هایشان نسبت به تمام رنگها حساسیت صحیحی داشته



(شکل ۱)

در صورتیکه بدست آوردن حالت‌های زیبا و جالبی از آسمان میسر باشد از فیلتر نارنجی یا قرمز روشن میتوان کمک گرفت (شکل ۱). اما نباید فراموش کرد که ضریب این فیلترها تا حدودی زیاد است و محاسبه‌ی کاملاً صحیح آن ضرورت دارد زیرا اگر کمتر از مقدار لازم نور از آنها بگذرد تصویری که بدست خواهد آمد شبیه عکسی خواهد بود که در زیر نور مهتاب گرفته شده است.

در مناظر دشت و بیابان، مخصوصاً اگر به تپه‌های بلند و کوه‌ها منتهی میگردد، بهتر است دورها اندکی محو و غرق در پرده‌ی ازمه دیده شود: باین ترتیب فواصل منظره بهتر و محسوس‌تر دیده خواهد شد. این محوی معمولاً بچشم دیده نمیشود و انسان تا دورترین نقاط را بروشنی و وضوح کامل می‌بیند، اما گاهی که طبقات بخار هوا غلیظ‌تر و فشرده‌تر میگردد (مخصوصاً در تابستان) روی فیلم تأثیر زیادی کرده و عکس ضعیف و خاکستری رنگی بوجود می‌آورد که بهیچوجه جالب نیست. بنابراین در چنین مواردی نباید موضوع مزبور را از نظر دورداشت.

وهمه‌ی آنها را بهمان روشنی و تیرگی که چشم انسان درک میکند ثبت مینماید معهداً عملاً مشاهده میشود که در مورد رنگ آبی چنین نیست و آنرا بحد رنگ سفید روشن نشان میدهد در اینجاست که استفاده از فیلتر زرد - سبز ضرورت پیدا میکند. (در صورت نداشتن آن از زرد متوسط استفاده شود.)

چون راجع بفیلترها در مبحث مربوطه توضیحات کافی داده شده لذا تکرار همه‌ی آنها در اینجا لزومی ندارد فقط تأکید میشود که از بکار بردن آنها مخصوصاً در عکس‌های منظره غفلت نشود.

اگر نشان دادن آسمان تیره و بدست آوردن حالات مخصوصی از آن مورد نظر نباشد در ساعات اول و آخر روز، فیلتر زرد - سبز روشن و در وسط روز نوع تیره‌تر آن کفایت میکند. بکمک فیلتر سبز (حتماً با فیلم پانکروماتیک) چمن‌ها و برگ‌های سبز درختان را بطور خوش‌آیندی میتوان روشن‌تر نمایاند.

در مورد فیلترهایی که ایجاد کنتراست میکند. مانند نارنجی - گرچه استفاده از آنها خوبست ولی نباید افراط کرد.

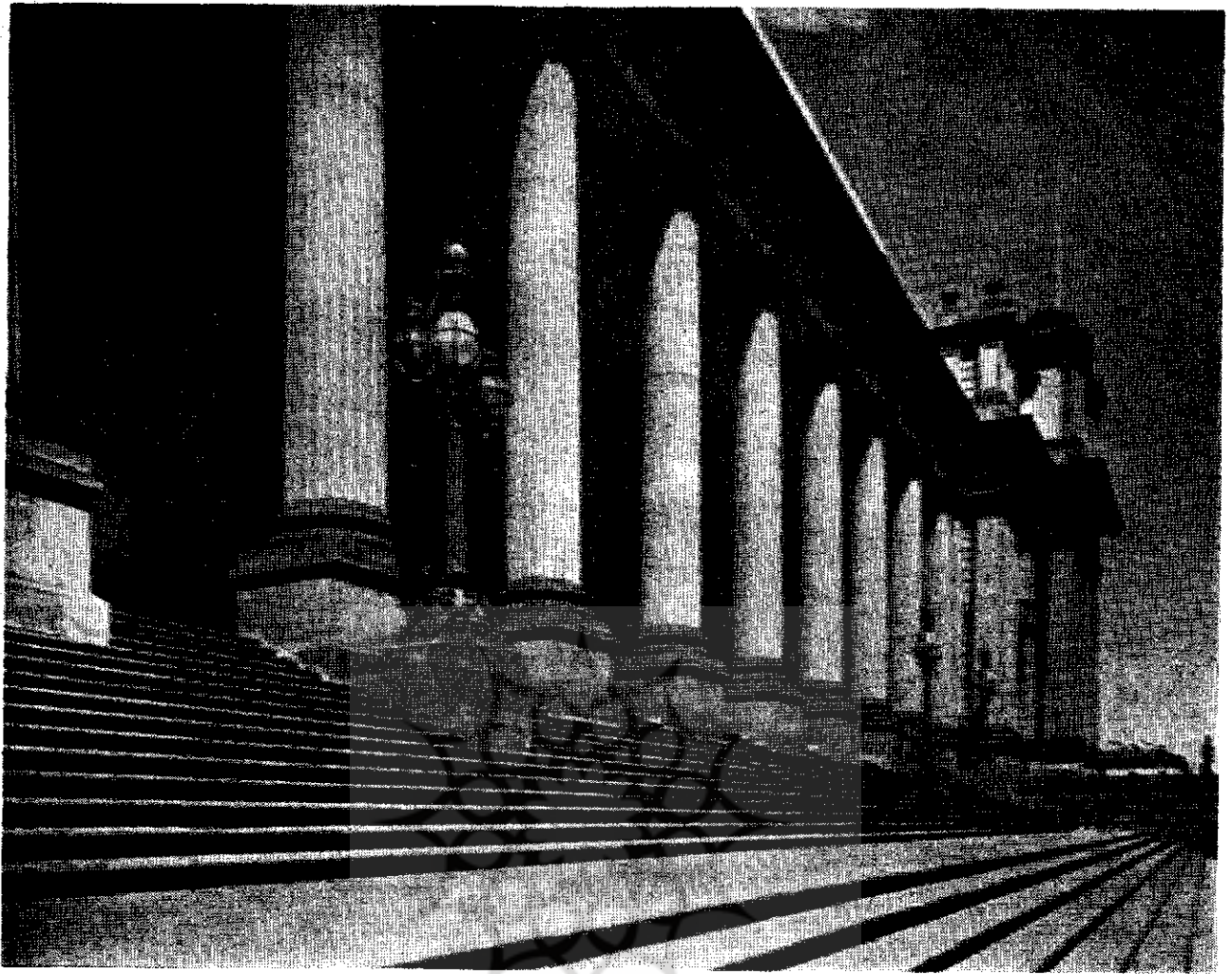


(شکل ۴)

سایه یا آفتاب - البته اغلب تصاویر منظره دره‌های آفتابی گرفته می‌شود. اما در این میان عکس‌هایی که دره‌های ابری و گرفته (مانند مناظر باران و برف و مه و غیره که رنگ خاکستری دارند)، تهیه شده و از دیگر عکس‌ها دست‌کم ندارد

نور

از طرفی تنوع موضوعات در طبیعت و از طرف دیگر حالت‌هایی که در عکس‌های مختلف مورد نظر است تعیین نور معینی را مشکل می‌سازد.



(شکل ۳)

بعکاسی منظره دارید (با در نظر گرفتن مشکلات کار)، قسمت اعظم آزمایش‌ها و تجربه‌های خود را روی عکاسی ضد نور صرف کنید. بهترین ساعت برای گرفتن عکس منظره - در کتابهای قدیم «صبح زود و یا موقع غروب» را بعنوان بهترین موقع عکاسی منظره تعیین میکردند ولی اگر نگاهی به آلبوم استادان عکاسی معاصر و یا مجلات عکاسی بکنید خواهید دید که اکثر آنها در وسط روز گرفته شده است (شکل ۳). لذا باید گفت که برای اینکار ساعت معینی وجود ندارد. نور غروب که سایه‌ها را دراز و کشیده میکند آثار جالبی بوجود می‌آورد ولی در یک منظره‌ی طبیعت این تنها نکته‌ی نیست که باید مورد توجه قرار گیرد.

بدین ترتیب نتیجه میگیریم که اگر موضوعی با سایه روشن‌ها و ارزش‌های مختلف رنگها نظر شما را بخود جلب

نباید فراموش کرد (شکل ۲). در هر حال آفتاب ملایمی که از زیر ابرنازکی میدرخشد، در اغلب موارد، بنورخشن آفتاب که سایه‌های شدیدی ایجاد کرده ترجیح دارد.

جهت تابش نور آفتاب - بطور کلی در تمام موضوعها، نوری که از روبرو بتابد پستی و بلندی‌های آنرا از بین میبرد و نتیجهٔ تصویر موضوع مزبور مسطح و بی‌عمق دیده میشود. منظره نیز از این حالت مستثنی نیست. معمولاً نور مایل که بوسیله‌ی سایه روشن‌ها عکس را دارای عمق و باصطلاح بعد سوم میسازد بهترین و در عین حال راحت‌ترین و آسان‌ترین انواع آنست. اما اگر کسی مسلط بفن عکاسی بوده و صاحب تجربه کافی باشد با استفاده از حالت ضد نور میتواند تصاویر بسیار جالبی تهیه کند. بهمین علت توصیه میشود که اگر علاقه زیادی

کرده و از آن خوششان آمده است ، بدون اینکه نگاهی بساعت تان بکنید عکسش را بگیرید .

تنظیم فاصله

اکثراً مشاهده میشود که در موقع عکسبرداری از منظره دوربین را برای بی نهایت (∞) میزان میکنند ، در صورتیکه چنین تنظیمی اشتباه است زیرا قسمت های جلوی عکس در خارج از میدان وضوح قرار گرفته و محوی آن شدت بیچشم خواهد خورد . اما اگر برعکس دورها محو باشد (بشرطیکه افراط نشود) چندان ناراحت کننده نخواهد بود . بنابراین با مراجعه به مبحث دیافراگم و میدان وضوح معلوم میشود که در اینجا باید ابتدا دوربین را برای فاصله ی معینی میزان کرد و سپس با بستن دیافراگم میدان وضوح لازم را بوجود آورد .

البته تنظیم فاصله در این مورد باید برای پلان اول ، (قسمتی از منظره که در فاصله ی نزدیک دوربین واقع شده) (شکل ۴) انجام میگردد زیرا معمولاً توجه بروی آن متمرکز میگردد (مگر در موارد خاصی که از لحاظ اهمیت در درجه دوم قرار گیرد) .

آیا وجود انسان در عکس های منظره لزوم دارد ؟

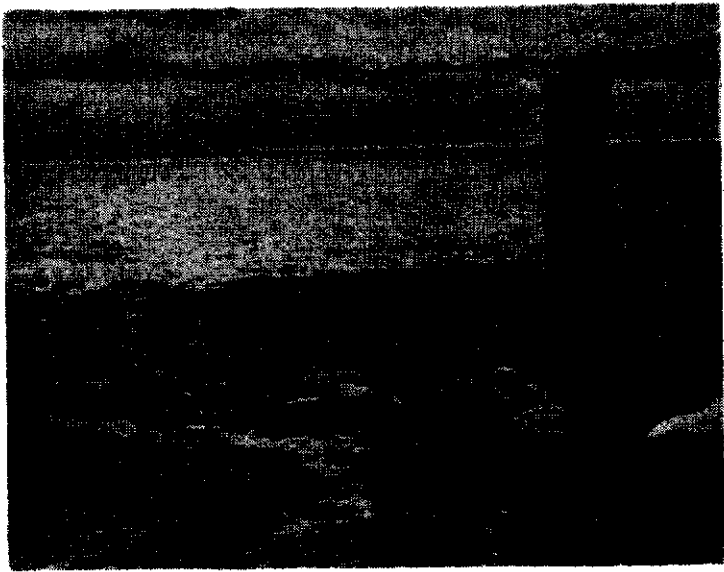
معمولاً در گردش های دسته جمعی وقتی به پای آبشار و کنار جویباری میرسند بهوس گرفتن عکسی از آن منظره میافتنند تا «خاطره» بی برای خود نگهدارند . چه میتوان کرد در برابر اصرار دوستان و خویشان نمیشود جواب رد داد . اما پس از گرفتن عکسی بسلیقه و دلخواه آنان تصویری نیز بدون آنها از منظره ی زیبا و جالب بگیرد زیرا پس از گذشت سالها منظره ، زیبایی خود را هم چنان حفظ خواهد کرد در حالیکه لباس حضار وضع خنده آور و مسخره یی پیدا کرده . از طرف دیگر بدست آوردن حالت های طبیعی و دور از تصنع از حاضرین کار بسیار مشکلی است .

اما با در نظر گرفتن جمله ی مشهور : عکاس طبیعت از خلاء نفرت دارد ، نتیجه میگیریم که او دوست دارد در تابلوی خود انسان و یا انسانهایی جای دهد . پس در این صورت بهتر است با ملاحظه و مراقبت کامل عمل کرد و از قرار دادن در پلان اول و یا وسط تابلو خودداری نمود ، مخصوصاً از توجه و نگاه بدوربین جلوگیری کرد . همچنین کسانی را انتخاب کرد که لباس و کار آنان با مناظر اطراف تناسبی داشته باشد . مثلاً وجود یک ماهیگیر در کنار رودخانه (بشرط قرار دادن وی در محلی از تصویر که بصورت موضوع اصلی عکس در نیاید) .

کمپوزیسیون (ترکیب بندی)

تبعیت از قواعد و قوانین کمپوزیسیون در عکس های منظره شاید بیش از انواع دیگر ضروری باشد .

در اینجا عناصر مختلف تابلو خود بخود در طبیعت جمع شده و اغلب اوقات هیچگونه تغییری در آنها نمیشود داد .



(شکل ۴)

معمداً عکاس با اطلاعات و تجربیات خود میتواند آنها را کم و بیش بکار هنری گیرد .
مثلاً

۱ - بوسیله انتخاب و محدود ساختن موضوع ، باین ترتیب قاعده ی مهم وحدت رعایت خواهد شد و مراکز توجه متعدد در تصویر بیچشم نخواهد خورد .

در برابر منظره باید دید که آیا نواحی سایه - روشن بطرز جالبی تقسیم شده ؟ خطوط موجود در آن توجه کافی بر میانگیزد ؟ اگر موضوعاتی در قسمت های جلوی تصویر دیده میشود (از قبیل شاخه ی درخت و نظایر آن) میتواند موضوع اصلی را بشکل زیبا و خوش آیندی در میان خود گیرد ؟ و غیره ... بالاخره از خود بپرسد که آیا منظره ی مزبور ارزش عکسبرداری دارد یا نه ؟

بدین ترتیب معلوم میشود که یک تصویر خوب منظره نتیجه ی انتخاب و تجزیه ی دقیق «قطعه» بی از طبیعت است .

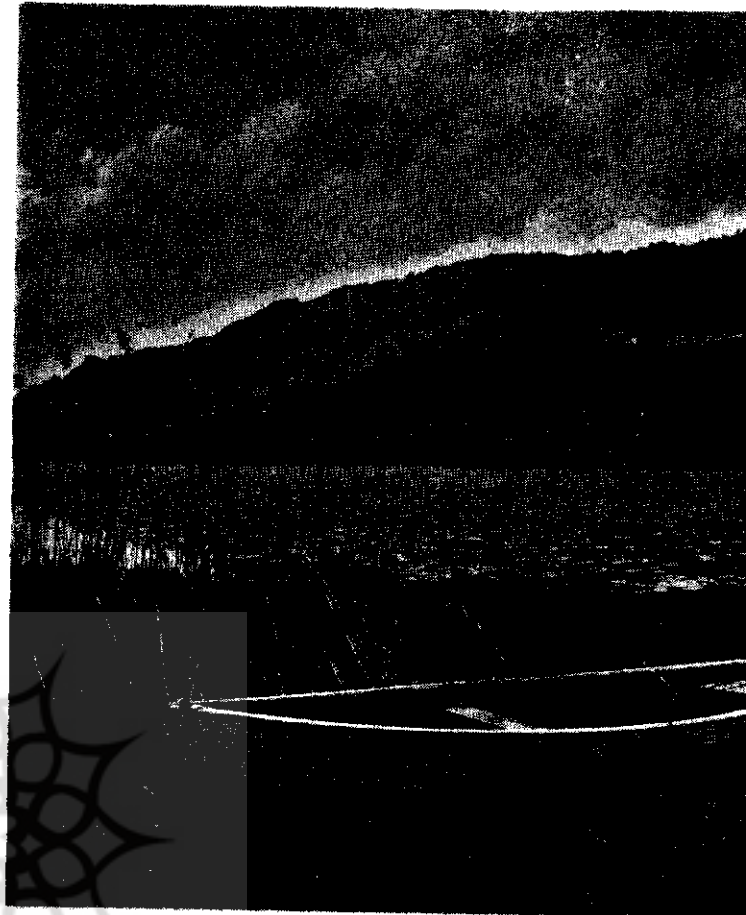
۲ - بوسیله انتخاب و تطبیق نقطه ی دیدی که خطوط اصلی منظره را مطابق نظم و ترتیبی تقسیم کند که بوضوح قابل رؤیت بوده و بیچشم بخورد : مانند تسلط خطوط افقی و یا عمودی .

۳ - کمپوزیسیون مایل و مورب و غیره . چنانکه پیشترها نیز اشاره شد ، ارتفاع نقطه ی دید در تصاویر و منظره اهمیت اساسی دارد و بر حسب قاعده ی کلاسیک کمپوزیسیون خط افق هیچگاه نباید در وسط ارتفاع تصویر قرار گیرد . همچنین است هر خط مشخص دیگر ، بشکل شماره ۵ دقت کنید : تصویری است که از لحاظ تکنیک کاملاً خوب و عالی است . این عکس از آلبوم نمونه ی کاغذ یکی از کارخانجات

برای آسمان خالی وبدون ابر که ناحیه‌ی مسطح و یکنواختی را در روی تصویر اشغال خواهد کرد بندرت از این وضع میتوان استفاده کرد زیرا بهر وسیله و ترتیبی که باشد باز نتیجه‌ی حاصل نخواهد شد .

چون از طرفی پلان اول در حقیقت روح وجان عکسهای منظره است و از طرف دیگر اهمیت آن نسبت به زمینه در نتیجه‌ی عکسبرداری از فاصله‌ی نزدیک یا دور بطور قابل ملاحظه‌ی تغییر میکند لذا لازم است در انتخاب نقطه‌ی دید دقت فراوان مبذول گردد . با توجه باین مطالب ، (مخصوصاً پس از تجربه‌هایی چند) معلوم میشود که گرفتن عکس مناظر بانته ابرکتی نتیجه‌ی خوب نمیدهد و برعکس در این مورد عدسی‌های گشاد زاویه نتایج عالی ببار می‌آورد زیرا اولاً در پرسپکتیو ایجاد بدشکلی نمیکند و ثانیاً احساس عمق را شدت می‌بخشد زیرا پلان اول از زمینه فاصله‌ی زیاد کسب میکند و از هم کاملاً جدا میشود . فقط لازم است دقت گردد تا از بهترین و مناسب‌ترین فاصله عکسبرداری شود .

بالاخره ، پس از ملاحظات و مطالعات فوق در قواعد عمومی کمپوزیسیون باید گفت که کادربندی اصلی ، لازم است در موقع گرفتن عکس بعمل آید نه در موقع چاپ (در اینجا فقط میتوان از کناره‌های نگاتیف مقداری حذف کرد) . همچنین استخراج چندین منظره از یک نگاتیف چندان صحیح و معقول نیست زیرا اگر در منظره‌ی مراکز توجه مهم و متعددی بنظر تان رسیده بهتر است از هر یک آنها عکسی جداگانه تهیه کنید . (این بحث ادامه دارد)



(شکل ۵)

(شکل ۶)



عکاسی انتخاب شده . رنگ آسمان و ابرها ، آب و سبزی‌ها همه کاملاً خوب گرفته شده ، وضوح کامل در همه جا حکمفرماست . اما از لحاظ کمپوزیسیون اشتباه بزرگی در آن موجود است که آنهم وجود خط بسیار مشخصی است در نصف ارتفاع . چنین بنظر میرسد که دو عکس را در این نقطه بهم متصل کرده‌اند زیرا هر یک از آنها میتواند تصویر کاملی باشد . با تکه کاغذی یکبار نصف بالا و یکبار دیگر نصف پائین را بیوشانید تا متوجه اشتباه مزبور بشوید .

آنچه که بقاعده‌ی فوق باید اضافه کرد اینست که اگر چند درخت و یا نظیر آن خط مذکور را قطع کند این قاعده ارزش خود را از دست خواهد داد .

اگر خط افق را از وسط تصویر کنار ببریم دو حالت کاملاً متفاوت بوجود خواهد آمد که در صورت استفاده‌ی آگاهانه هر دو نتایج عالی میدهد .

پرسپکتیو پائین یعنی حالتی که خط افق در یک سوم زیر قرار گرفته باشد در منظره‌ی از قبیل دریا ، رودخانه و نظیر آن که دارای آسمانی جالب باشد مورد استفاده قرار میگیرد (شکل ۶) .